

هو الحکیر الخلیع

خردنامه صدر

فصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه اسلامی

سال ۲۳، شماره ۱؛ پیاپی ۸۹

پاییز ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: بنیاد حکمت اسلامی صدرا

مدیر مسئول و سردبیر: آیت الله سید محمد خامنه ای

هیئت تحریریه

آیت الله سید محمد خامنه ای..... رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر احمد احمدی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر غلامرضا اعوانی..... استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر رضا داوری اردکانی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر کریم مجتهدی..... استاد دانشگاه تهران

دکتر سید مصطفی محقق داماد..... استاد دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مقصود محمدی..... دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، کرج

ویراستار..... دکتر مقصود محمدی

مدیر اجرایی..... مهدی سلطانی گازار

مترجم انگلیسی..... دکتر رؤیا خوئی

ویراستار انگلیسی..... دکتر علی نقی باقرشاهی

شاپا: ۰۸۷۴ - ۱۵۶۰

نشانی: تهران، بزرگراه رسالت، روبروی مصلا، مجتمع

امام خمینی (ره)، ساختمان ۱۲، بنیاد حکمت اسلامی صدرا

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۹۱۹

دورنگار: ۸۸۴۹۳۸۰۳

تلفن: (مقالات) ۸۸۱۵۳۲۲۱

(اشتراک و فروش) ۸۸۱۵۳۵۹۴

پست الکترونیک: siprin@mullasadra.org

پایگاه اینترنتی: kherad.mullasadra.org

چاپخانه: چاپ و نشر شادرنگ



فهرست مطالب

- سرمقاله..... ۳
- وجود، انضمام و اشتقاق؛ تأملی در نظریه میرداماد درباره
موجودیت و اشتقاق..... ۵
- دکتر داود حسینی
- بررسی و تحلیل پاسخهای ملاصدرا به پرسش خواجه طوسی
و ملامظفر حسین کاشانی درباره بقای نفس..... ۱۵
- دکتر ابوالحسن غفاری
- روش‌شناسی تأویل در اندیشه فیض کاشانی با تأکید بر نقش
وجودشناسی در آن..... ۲۷
- دکتر نفیسه اهل سرمدی
- تأثیر آموزه‌های قرآنی بر حکمت اشراقی سهروردی..... ۳۹
- دکتر قاسم پورحسن درزی، سید مصطفی بابایی
- جایگاه یقین در صناعات خمس نزد فارابی..... ۵۳
- دکتر نادیا مفتونی، فتانه تواناپناه
- الگوی مشترک براهین تجرد نفس با محوریت بدن در اندیشه
ابن سینا و ملاصدرا..... ۶۵
- مجید یاریان، دکتر فروغ السادات رحیم‌پور، دکتر
سید مهدی امامی جمعه
- نسبت شعر و منطق از دیدگاه ابن سینا..... ۸۵
- ابراهیم بازرگانی
- اجتهاد در مقابل نص پذیرفتنی نیست..... ۹۷

۱. بنابر تأییدیه شماره ۳/۱۳۷۰۸۵ مورخه ۹۱/۰۷/۰۲ از

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، خردنامه صدرا دارای
درجه علمی - پژوهشی است.

۲. خردنامه صدرا در پایگاه‌های زیر نمایه میشود:

- پایگاه مجلات تخصصی فلسفه جهان؛

Philosopher's Index

- پایگاه استنادی علوم اسلامی؛ ISC

- پایگاه مجلات تخصصی نور؛ Noormags

- بانک اطلاعات نشریات کشور؛ Magiran

راهنمای تدوین مقاله

- خردنامه صدرا بطور تخصصی فقط مقالاتی را که مربوط به حوزه فلسفه و علوم عقلی، مستدل و مستند به منابع معتبر باشد، برای چاپ میپذیرد.
- مقالات ارسالی باید مبتنی بر تحقیق و حاوی نکته‌ی بدیع و ابتکاری باشد، از نظم و انسجام منطقی لازم برخوردار باشد و اصول نگارش و اصالت زبان فارسی در آن بدقت رعایت شود.
- مقالات باید دارای چکیده (حدود ده سطر) و کلیدواژگان (حداکثر ده واژه) بوده و چکیده و کلیدواژگان انگلیسی نیز به آن ضمیمه شده باشد.
- لطفاً در ابتدای مقاله، عنوان مقاله، نام نویسنده، رتبه علمی و محل فعالیت (هرکدام بدو زبان فارسی و انگلیسی) و نیز نشانی بصورت دقیق در برگه‌ی جداگانه ذکر گردد.
- چنانچه مقاله برگرفته از پایان‌نامه یا طرح پژوهشی باشد یادآوری آن در ابتدای مقاله الزامی است.
- مقالات به رایانامه (ایمیل) مجله ارسال گردد. حتماً مرقوم شود «مربوط به خردنامه صدرا».
- رعایت اصول نشانه‌گذاری و ذکر نامهای غیرفارسی بزبان اصلی و نیز برجسته کردن نقل قولها ضروری است.
- مقالات ارسالی نباید قبلاً در جایی بچاپ رسیده باشد و ارسال آن نیز برای خردنامه صدرا تعهدی نسبت به چاپ ایجاد نمیکند اما خردنامه از حق تجدید چاپ و نیز نشر مقالاتی که پس از داوری دقیق و تأیید هیئت تحریریه بچاپ برسد، بصورت‌های رایج دیگر بزبان فارسی و دیگر زبانها برخوردار خواهد بود.
- مقالات ارسال شده بهیچ وجه مسترد نخواهد شد.
- خردنامه صدرا در ویرایش مطالب با حفظ محتوا و مفاد آزاد است.
- مسئولیت محتوا و مضمون مقالات بعهده مؤلف است و چاپ آن در این فصلنامه تنها برای عرضه و تلاقی افکار است و دلیل بر تأیید آن نیست.
- ارجاع به آثار ملاصدرا باید منطبق بر چاپ بنیاد حکمت اسلامی صدرا باشد.

شیوه ارجاعات

- ارجاعات در خردنامه صدرا بصورت پاورقی است؛ با ذکر نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد، شماره صفحه.
- در مواردی که بلافاصله به منبع قبلی ارجاع داده شود از کلمه همان و شماره صفحه و در صورتی که شماره صفحه نیز یکی باشد از واژه همانجا استفاده شود.
 - در مورد مجلات و مجموعه مقالات عنوان مقاله ذکر گردد.
 - در ارجاع به منابع غیرفارسی، عنوان اصلی کتاب ذکر شود. بجای واژه‌های همان و همانجانب نیز بترتیب از علامتهای *ibid* و *idem* (بصورت ایتالیک) استفاده شود.
 - در فهرست منابع، مشخصات کامل کتاب‌شناسی هر منبع بصورت زیر فهرست گردد:
— کتابها: نام خانوادگی مولف، نام مولف. عنوان کتاب (بصورت سیاه و ایتالیک)، مترجم، محل نشر، ناشر، سال نشر.
مثال: مطهری، مرتضی، مسئله شناخت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.
— مجلات: نام خانوادگی مولف، نام مولف. «عنوان مقاله» (داخل گیومه)، نام مجله (بصورت سیاه و ایتالیک)، سال، شماره مجله، سال نشر.
مثال: اعوانی، غلامرضا. «چرا ملاصدرا را صدرالمتألهین نامیده‌اند؟»، خردنامه صدرا، ۲، ۱۱، ۱۳۸۴.
— مجموعه مقالات: نام خانوادگی مولف، نام مولف، «عنوان مقاله» (داخل گیومه)، عنوان کتاب (بصورت سیاه و ایتالیک)، گردآورنده یا ویراستار، محل نشر، ناشر، سال نشر.
مثال: ابراهیمی دینانی، غلامحسین، «جایگاه ملاصدرا در فرهنگ علوم عقلی»، مکتب ملاصدرا و فلسفه‌های غربی، زیر نظر سیدمحمد خامنه‌ای، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۵.
— در مورد منابع غیر فارسی نیز بهمین شیوه عمل شود.



پیش از این و در لسان ارباب عقول آمده بود که حکمت و فرهنگ در رأس امور و در حکم سر در اندام انسان است زیرا که خرد و تجربه و دانش است که حیات آدمی را حراست و اداره میکند و او را از خطرات و زیانهای کوچک و بزرگ نگهبان است. اما زمانه آن اندازه مهلت داد که این شیوه حکیمانه را وارونه و معکوس در جامعه نوین و در دستگاههای حاکمه و مدیره مردمی ببینیم، جامعه‌یی که هزاران سال به جهانیان خرد و حکمت و دانش آموخته است و انقلابی را برپا ساخته که شعار آن براندازی جهل و خردگریزی و خطاکاری و زیانباری است. بادقت و معاینه دستگاهها و گروههای رسمی و دولتی که کار فرهنگی میکنند و نقاط ضعف و خلأ آن را که میراث دوران استعمار بیگانگان است، برطرف میسازند، این حقیقت بوضوح دیده میشود که نقایصی فراوان در بهره‌وری و ثمربخشی آنها هست و در عمل به مأموریت و مسئولیت فرهنگی عمل نمیکنند؛ که اگر تلاش خودجوش و مسئولانه گروهها و مؤسسات آزاد غیردولتی نباشد، فرهنگ و دانش انسانی کشور روز بروز عقبتر خواهد رفت. و همانگونه که معروف است که «دولت تاجر خوبی نیست» در عمل اثبات شده است که در کار فرهنگ و نشر فضیلت و حکمت نیز مدیر و مجری خوبی نیست و ثابت شده است که اگر کار فرهنگی و نشر علوم و معارف اسلامی منحصراً در قالب دولتی باشد، کشور به زیانهای جبران‌ناپذیر مادی و معنوی خواهد رسید.

اما اعجب از عجیب، تصمیم عده‌یی از مسئولین است که کار سیاست‌گذاری و اجرا و برنامه‌ریزی بدست آنهاست و بر اساس اخبار رسمی مژده داده‌اند که ببهانه فقر خزانه، بودجه‌های کمکی به نهادها و بنیادهای متخصص در فلسفه و معارف اسلامی و علوم انسانی و تربیتی اجتماعی و جداولی که در قانون بودجه عهده‌دار کمک به آن مؤسسات است حذف گردد، و این مؤسسات غیردولتی (NGO) که برخی از آنها دهها سال است که با بهره‌گیری از کمک اندک دولتی با وجود دهها موانع و مشکلات عادی یا عمدی، فقط به انگیزه و ارادت خود به آن کارها، به ملت و حکمت و فرهنگ کمک میکنند، عمر عزیز خود را صرف مینمایند تا نگذارند نهال تربیتی معنویات و حکمت و خردورزی رو به خزان رفته و بیثمر گردند، به خزان بروند و از ثمردهی بیفتند.

این طرح نارسا که با ظاهری فریبنده و ببهانه کمک به رزمندگان و معلولان پیشنهاد و تصویب شده با احتمال قوی سیر تکامل و تولید و رشد علوم انسانی و تربیتی و حکمت و معرفت را که بیشتر بر دوش مؤسسات کمک بگیر از بودجه است، کند و حتی تعطیل خواهد کرد و مانند برخی دیگر دستگاههای تولیدی و اقتصادی کشور رو به نابودی خواهد رفت؛ همان چیزی که دشمن اسلام و انقلاب اسلامی ایران همواره آرزوی آنرا داشته و هیچ روز و شبی جز با این اندیشه مخرب ضد ایرانی و اسلامی، سر بر بالین نهاده است.

تصویب و اجرای این تفکر خطرناک، که بیشتر مدعی چاره‌امور مادی رزمندگان شرافتمند ما هست تا امور معنوی آنها (و نمیداند که معرفت و امور معنوی زیرساخت وجود و کردار آدمی است) سبب خواهد شد که مشمولان شریف این مصوبه به سمت و سوی سوق داده شوند که بجای انگیزه‌های معنوی و اعتقادی که آنها را به بذل جان و مال و سلامت خود دعوت میکرد، سرگرم امور مادی و رفاه خود باشند و پشتوانه‌های معرفتی و تربیتی برای نسلهای آنها و دیگر افراد، رو به نابودی بروند.

فردای این ملت و این انقلاب، مردمی دردمند و با فرهنگ انقلابی و دینباوری و حکمت و اخلاق می‌خواهد تا با این انگیزه‌های معنوی از مرزهای مادی و معنوی این کشور دفاع کند و نه مردمی بی‌انگیزه و بی‌بهره‌وری اجتماعی و جماعتی سیر و مرّفه بیدرد.

وجود، انضمام و اشتقاق؛ تأملی در نظریه میرداماد

درباره موجودیت و اشتقاق

داود حسینی*

استادیار گروه فلسفه دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

میرداماد در قبسات و افق مبین، دو استدلال علیه انضمامی بودن وجود ارائه کرده است که در این نوشتار به دو مسئله درباره این استدلالها پرداخته خواهد شد. نخست اینکه آیا استدلالهای میرداماد سابقه تاریخی دارند؟ دوم اینکه آیا نتیجه این استدلالها، از نظریه میرداماد درباره اشتقاق «موجود» حمایت میکنند؟ به مسئله نخست، پاسخی جزئی داده خواهد شد؛ به این صورت که دو مورد از مشهورترین استدلالهای حکما و متکلمین (مشخصاً استدلال مشهور سهروردی و استدلال شارح مقاصد) انتخاب و دلایلی اقامه خواهد شد مبنی بر اینکه استدلالهای میرداماد نه تنها با این استدلالها متفاوت هستند بلکه بلحاظ منطقی و جدلی بر این استدلالها برتری دارند. اما به مسئله دوم، پاسخی کامل داده خواهد شد؛ به این صورت که اگر یکی دیگر از نظریات میرداماد درباره وجود (عدم سبق وجود بر شیء) را مفروض بگیریم، انضمامی نبودن وجود، عدم اشتقاق «موجود» را در پی خواهد داشت.

مقدمه

میرداماد در قبسات و افق مبین، استدلالهایی علیه انضمامی بودن وجود برای اشیاء اقامه کرده است. در این مقاله، ابتدا نشان داده خواهد شد که این استدلالها متمایز از برخی استدلالهای مشهور دیگر در این باب هستند؛ مشخصاً این دو استدلال را در قیاس با استدلال مشهور سهروردی و استدلالهای شارح مقاصد که آنها را «حاصل استدلالهای مخالفین زیادت وجود بر ماهیت» نامیده است، بررسی خواهیم کرد. نیز نشان خواهیم داد که یکی از استدلالهای میرداماد، نسبت به سایر استدلالها بلحاظ منطقی و جدلی ارجحیت دارد.

مسئله دومی را که در ادامه این نوشتار بدان خواهیم پرداخت، میتوان چنین صورتبندی کرد: میرداماد مدعی است که «موجود» معنای اشتقاقی ندارد؛ آیا نتیجه استدلالهای وی در انضمامی نبودن وجود، از نظریه میرداماد درباره اشتقاق «موجود» حمایت

*.Email:davood.hosseini@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۱۰ تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۱۰
این پژوهش در چهارچوب طرح پژوهشی «وجود و ماهیت؛ بررسی تاریخی نظر صدرادر برابر میرداماد» به شماره ۹۶۰۰۳۳۱۸ با پشتیبانی صندوق حمایت از پژوهشگران و فن آوران معاونت علمی ریاست جمهوری به انجام رسیده است.

کلیدواژگان

وجود	موجود	ماهیت
انضمام	اشتقاق معنایی	میرداماد

بررسی و تحلیل پاسخهای ملاصدرا به پرسش خواجه طوسی و ملا مظفر حسین کاشانی درباره بقای نفس

ابوالحسن غفاری*

استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چکیده

مسئله بقای نفس پس از مفارقت از بدن، یکی از چالش برانگیزترین مسائل فلسفی است. این مسئله، هم از سوی حکمایی که نفس را قدیم و مجرد میدانند و هم از سوی حکمایی که به حدوث روحانی نفس معتقد هستند، مورد بحث واقع شده و استدلالهای گوناگون در اینباره اقامه شده است. خواجه طوسی که به سنت حکمت مشاء تعلق دارد، این پرسش را مطرح کرده است که چرا بعقیده حکما، بدن و استعداد بدنی در ابتدای حدوث نفس لازم و ضروری است اما در مرحله بقا و مفارقت شرط نیست؟ او پاسخ این پرسش را در رساله‌یی که درباره بقای نفس نوشته، بررسی کرده است و در عین حال آن را از حکیم معاصر خویش، شمس الدین خسروشاهی نیز پرسیده ولی پاسخی دریافت نکرده است. همین پرسش را ملا مظفر حسین کاشانی، حکیم معاصر ملاصدرا از او پرسیده است زیرا بنظر میرسد که ظاهراً مسئله بقای نفس با نظریه حدوث جسمانی ملاصدرا قابل جمع نیست. صدرالمتألهین پرسش خواجه و ملا مظفر را هم بر اساس مبنای قوم و هم اصول فلسفه خویش پاسخ داده و از مسئله بقای نفس پس از مفارقت بدن دفاع کرده است.

کلیدواژگان

نفس
حدوث جسمانی نفس
ملا مظفر حسین کاشانی
بقای نفس
خواجه نصیرالدین طوسی
ملاصدرا

۱. سیر تاریخی مسئله بقای نفس

بحث بقای نفس پس از مفارقت از بدن، یکی از اساسیترین مسائل فلسفی است که از دیرباز مورد توجه حکما بوده است. این بحث از لحاظ دینی و در مسئله حیات پس از مرگ اهمیت دارد.

افلاطون برای اثبات بقای نفس از پنج طریق – تضاد بین مرگ و حیات^۱؛ تذکر و علم پیشین نفس؛ بساطت نفس^۲؛ عدم عروض شرّ و تباهی بر نفس^۳ و اینکه نفس خود منشأ و مبدأ جنبش است^۴ – به بقای آن استدلال کرده است.

ارسطو با تأویل و تفسیر مادی از نفس، مخالفت کرده^۵ و آن را صورت جسم طبیعی معرفی میکند که
*Email: dr.ghafari.ah@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲۳ تاریخ تأیید: ۹۶/۶/۲۶

۱. افلاطون، مجموعه آثار افلاطون، ج ۱، بند ۷۱-۷۰.

۲. همان، بند ۷۸.

۳. همان، ج ۲، بند ۶۰۹-۶۰۸.

۴. همان، ج ۳، بند ۲۴۵.

۵. ارسطو، درباره نفس، دفتر اول.

روش‌شناسی تأویل در اندیشه فیض کاشانی

با تأکید بر نقش وجودشناسی در آن

نقیسه اهل سرمدی*

استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

چکیده

تأویل نزد فیض کاشانی، رهیافتی برای رسیدن به باطن و عمق معناست. او انکار تأویل را نشانی از قشریگری و جمود بر ظواهر میدانند. نگاشته‌های وی بخصوص دو کتاب عین‌الیقین و اصول‌المعارف و همچنین رساله میزان‌القیامه از جایگاه والای وجودشناسی در نیل به اسرار و رموز معارف دین خبر میدهد. تأویل‌پژوهی فیض مبتنی بر اندیشه‌های فلسفی – عرفانی اوست. او وجودشناسی را همچون پنجره‌یی میداند که از دریچه آن باید وسعت معارف و حیانی را نظاره نمود. نگارنده معتقد است رساله الأنصاف رساله‌یی است که روش‌شناسی فیض در نیل به تأویل را نشان میدهد؛ بعلاوه حکایت مؤلف است در چگونگی وصولش به حقیقت. التزام به حکمت نظری و عملی، شرح صدر، فراخی حوصله و حق طلب بودن از شرایطی است که در نظر این حکیم عارف، رسیدن به تأویل را برای آدمی امکانپذیر میکند.

کلیدواژگان

تأویل	وجودشناسی
باطن	حوصله
انسان‌شناسی	فیض کاشانی

مقدمه

شیخ محمد فرزند شاه مرتضی، ملقب به ملا محسن فیض کاشانی (۱۰۹۱- ۱۰۷۰ق) فیلسوف، عارف، متکلم، فقیه، مفسر و محدث نامی قرن یازدهم هجری است. او در عین حال، شاعری توانا بوده که دیوان اشعاری مشتمل بر چندین هزار بیت شعر دارد. فیض کاشانی از شاگردان بنام صدرالمتألهین است و از این استاد فرزانه کسب فیض نموده است. بررسی آثار وی، بسادگی گواه این مدعاست که اندیشه‌های فلسفی فیض بیش از همه متأثر از ملاصدرا است. این حکیم مکتب اصفهان، با صراحت از اصول مکتب صدرایی – همچون اصالت وجود، تشکیک وجود، وحدت وجود، اتحاد عاقل و معقول، حرکت جوهری – دفاع میکند. گفته میشود که بین او و استادش در پذیرش این آراء، تفاوتی دیده نمیشود؛ تا جایی که نادرست نخواهد بود اگر بگوییم بدست آوردن دیدگاه صدرایی از کتابهای فیض – مثل عین‌الیقین – در مواردی آسانتر از استفاده از کتابهای استاد است چرا که وی این سخنان را پردازش کرده و تنها به بیان اصل مطلب میپردازد تا خواننده با ذکر

*.Email: Sarmadi.na58@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۶

تأثیر آموزه‌های قرآنی بر حکمت اشراقی سهروردی

قاسم پورحسن درزی، دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی
سید مصطفی بابایی*، دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

به یقین میتوان گفت که همه فلاسفه اسلامی - از هریک از سه مکتب مشهور فلسفی - در سیر اندیشه فلسفی خود، تأثیرات بسیاری از قرآن کریم پذیرفته‌اند اما در این میان، شیخ شهاب‌الدین سهروردی اولین فیلسوف اسلامی است که در نظام حکمت اشراقی خود بیشترین استفاده را از قرآن کرده است. استفاده سهروردی از این کتاب آسمانی، هم از نظر کمیت و مقدار و هم از جهت نوع استفاده تأویلی، از سایرین متمایز است. او بسیاری از ایده‌ها، برهانها و داوریه‌های خود را مقرون و منوط به قرآن کرده است. در این مقاله سعی شده است از تأثیر آموزه‌های قرآنی بر حکمت نوری سهروردی در چهار مقوله حکمت نوری، نورالانوار، عقول، و نفس به اختصار سخن گفته شود، چراکه قطعاً بحث مستوفی در اینباره نیازمند مجال و کمالی شایسته است.

۱. مقدمه

فلاسفه اسلامی از دیرباز توجه ویژه‌ی به قرآن کریم داشته‌اند و برخی از آنان، تفاسیری نیز بر قرآن نگاشته‌اند. در واقع هیچیک از فلاسفه اسلامی را نمیتوان یافت که در تبیین آرای خود از قرآن مدد نگرفته باشد. ولی در این میان، شیخ شهاب‌الدین سهروردی فیلسوفی است که بیشترین استفاده را از قرآن کرده است، بگونه‌ی که حتی بزرگانی چون صدرالمتألهین شیرازی در نگاه خود به قرآن، از وی تأثیر پذیرفته‌اند. التزام شیخ اشراق به قرآن به اندازه‌ی است که خود ادعا کرده هر یک از یافته‌های فلسفی را که امضایی از قرآن برای آن نیابد، بعنوان سخنی لغو و بیهوده به دور خواهد انداخت. او معتقد است هر کس که به حبل قرآن در نیابزد، در چاههای تاریک گمراهی و ضلالت گرفتار خواهد شد. سهروردی در کلمة‌التصوف در بابی با عنوان «فی لزوم التمسک بالکتاب و السنة» مینویسد:

کل دعوی لم تشهد بها شواهد الكتاب و السنة
فهی من تفاربع العبت و شعب الرقت. من لم
يعتصم بحبل القرآن غوی، و هوی فی غیابة

(نویسنده مسئول) *Email: babae20@chmail.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۲۰ تاریخ تأیید: ۹۶/۶/۲۶

کلیدواژگان

آیات قرآن
حکمت نوری
عقول
تأویل
حکمت اشراق
نور الانوار
نفس
سهروردی

جایگاه یقین

در صناعات خمس نزد فارابی

نادیا مفتونی*، دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران
فتانه توانپناه**، دانش آموخته کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه تهران

چکیده

فارابی یقین را در همه صناعات پنجگانه منطق بنحوی مورد توجه قرار داده است. یقین در برهان، مقصود بالذات یا مستقیم است در حالیکه در صناعات دیگر هدف بالعرض یا غیرمستقیم است. در صناعت جدل، گزاره‌های مشهور برای ارائه تصدیقات جدلی در راستای نیل به معرفت یقینی بکار گرفته میشوند. در صناعت خطابه، یقین در فرم تصدیق اقناعی به تناسب سطح درک مخاطب و بعنوان چارچوب فعالیتهای خطابی و ملاک کیفیت آنها مورد تأکید است. در صناعت شعر، مخیلات از دو وجه تصویری و تصدیقی با یقین در ارتباط هستند. مغالطه نیز با استفاده از شبه گزاره‌ها، از جمله شبه یقینیات در دو بعد مثبت و منفی با یقین رابطه دارد. بنابراین، جایگاه یقین در هر یک از ساختارهای جدلی، خطابی، شعری و مغالطی قابل توجه است و میتوان نوعی نسبت ابزاری را میان این صناعات چهارگانه با برهان رصد کرد.

۱. طرح مسئله

برهان، جدل، سفسطه، خطابه و شعر صناعات پنجگانه منطق نزد فارابی هستند که تحقیق حاضر به ارتباط آنها با یکدیگر و رابطه آنها با یقین میپردازد و بدنبال آن، مسئله ارتباط میان یقینیات، مشهورات، اقناعیات، مخیلات و نسبت مفهومی، ارزشی و ساختاری آنها و نیز جایگاه معرفت شناختی هر صناعت مورد بررسی قرار میگیرد. نحوه ارتباط صناعات خمس با یقین، میتواند تبیین کننده ارتباط منطقی روشهایی باشد که در مواجهه با مسائل علمی اتخاذ میشود^۱.

در بررسی این رابطه، توجه به کمیت و کیفیت صناعات و تحلیل هر یک، نقش مهمی در جهتدهی به مسئله تحقیق دارد. در بحث از کمیت، ثنایی و غیر ثنایی بودن تقسیمبندی صناعات و رابطه انفصالی میان هر یک مورد توجه واقع میشود و با نظر به اینکه تکرار عدد و تمایز این صناعات نمیتواند به صرف تقید ظاهری به مباحث منطقی و به دور از مبنای

*.Email:maftouni@gmail.com

**Email:tavana@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۱۱ تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۲

۱. فارابی، احصاء العلوم، ص ۴۹ - ۴۴.

۲. همو، تحصیل السعادة، ص ۱۲۳ - ۱۲۰.

کلیدواژگان

صناعات خمس	یقین
مشهورات	اقناعیات
مخیلات	فارابی

الگوی مشترک براهین تجرد نفس با محوریت بدن در اندیشه ابن سینا و ملاصدرا

مجید یاریان*، دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه اصفهان
فروغ السادات رحیم‌پور**، دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان
سید مهدی امامی جمعه***، دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان

چکیده

حکمای اسلامی همچون ابن سینا و ملاصدرا در مباحث انسان‌شناختی خود، به بیان ویژگیهای نفس و از جمله اثبات تجرد آن پرداخته‌اند. با استقرا در آثار این دو حکیم، میتوان ملاحظه کرد که براهین مثبت تجرد نفس تماماً بر اساس نفی ویژگیهای جسم و ماده بدنی استوار شده‌اند؛ به این معنا که نفس، فاقد ویژگیهای بدن و جسم است و از اینرو تجرد آن به اثبات میرسد. بعنوان نمونه، ماده بدنی دارای کمیت، وضع، تغییر، انقسام‌پذیری و تناهی افعال است و ضعف، کهولت و خستگی عارض آن میگردد و علم به بدن و افعال آن نیز حصولی و تابع وضع و محل است. این دو فیلسوف با نفی و سلب این خصایص از نفس، تجرد آن را به اثبات میرسانند و بنابراین، شناخت نفس و اثبات تجرد آن جز با شناخت بدن و سلب ویژگیهای بدنی از آن امکانپذیر نیست. در این نوشتار، علاوه بر بازنویسی براهین اثبات تجرد نفس و تعیین جایگاه کلیدی بدن در آن، الگویی کلی برای مجموع این براهین طراحی و عرضه شده است.

کلیدواژگان

بدن جسم ماده

نفس تجرد نفس ابن سینا

ملاصدرا

مقدمه

حکما تاکنون براهین گوناگونی برای اثبات تجرد نفس اقامه کرده‌اند. صرفنظر از اینکه اصطلاح «تجرد» در چه ساحتی از ساحت نفس انسانی طرح شود، حکما در تعریف تجرد، از تعاریف سلبی استفاده میکنند و ادعان میدارند که مجرد چیزی است که مخلوط با ماده نباشد^۱ و بنابراین، مجرد بودن نفس را از طریق نفی مادیت و سلب ویژگیهای بدنی به اثبات میرسانند. ابن سینا در طبیعیات شفاء^۲، الاشارات و التنبیها^۳، المباحثات^۴، رسائل^۵ و... و ملاصدرا در

*.Email:m.yaryan@gmail.com

** (نویسنده مسئول).Email:fr.rahimpoor@gmail.com

***.Email:1339smj@gmail.com

این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۶ تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۴

۱. سجادی، فرهنگ علوم عقلی، ص ۵۲۸.

۲. ابن سینا، طبیعیات الشفاء، النفس، ص ۱۹۵-۱۸۸.

۳. همو، الاشارات و التنبیها، ج ۲، ص ۳۶۷-۳۶۱؛ همان،

ج ۳، ص ۲۷۹-۲۷۳.

۴. همو، المباحثات، ص ۱۶۲-۱۵۴.

۵. همو، هدیة الرئیس للامیر فی القوی النفسانیة، ص ۲۱۳-۲۰۸.

نسبت شعر و منطق

از دیدگاه ابن سینا*

**

ابراهیم بازرگانی

دانشجوی دکتری حکمت هنر دینی

چکیده

فن شعر در پیکره فلسفه اسلامی نه تنها ماهیت منطقی داشته و دارد، بلکه بنیاد فلسفه هنر فیلسوفان مسلمان نیز قلمداد میشود. یکی از پرسشهای مهم در این دو قلمرو، چرایی بررسی فن شعر بعنوان یکی از ابواب منطق نخبشی و سپس کنار نهادن آن در منطقهای دوبخشی و اکتفا به مطالعه حدقلی آن تحت عنوان مخیلات، توسط ابن سینا است. ابن سینا در آثار مختلف خود روند ثابتی را در اینباره طی نکرده و بمرور، برخی بخشها از جمله فن شعر را کنار مینهد. این جستار بر آن است که ابتدا بر اساس تعریف منطق و شعر، رابطه روش شناسانه این دو را واکاوی کند و سپس رهیافتهای ابن سینا برای الحاق فن شعر به منطق را بررسی و تبیین نماید.

کلیدواژگان

فن شعر
محاکات
منطق
قیاس شعری
مخیلات
ابن سینا

۱. مقدمه

فیلسوفان مسلمان «فن شعر» را به نامهای گوناگونی خوانده‌اند؛ بیطوریقا^۱، ابوطیقا^۲، قوانیطقی^۳، طوریقی^۴، فوانیطقی^۵، بوطیقا^۶، نیطوریقی^۷ — هنگام کاربرد واژه لاتین — و الأقاویل الشعریة^۸، الکلام الشعری^۹، صناعة الشعر^{۱۰} — هنگام ترجمه — واژه‌هایی هستند که همه بر یک

Email: ab19277@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۹ تاریخ تأیید: ۹۶/۲/۱۸

۱. طوسی، أساس الإقتباس، ص ۴۲۱.
۲. شهابی، رهبر خرد، ص ۴۹.
۳. همان، ص ۴۷.
۴. همان، ص ۴۸.
۵. ملاصدرا، شرح و تعلیقه بر الهیات شفا، ج ۱، ص ۱۳۵.
۶. طوسی، نقد المحصل، ص ۵۲۸.
۷. بغدادی، المعتر فی الحکمة، ج ۱، ص ۲۷۶.
۸. فارابی، المنطقیات، ج ۱، ص ۵۰۲.
۹. بغدادی، المعتر فی الحکمة، ج ۱، ص ۱۶۲.
۱۰. فارابی، کتاب الحروف، ص ۷۰؛ حلی، الجوهر النضید، ص ۴۳۶؛ مظفر، المنطق، ص ۴۵۹.

* مقاله پیش رو که درباره جایگاه شعر در منطق ابن سینا نوشته شده، معتقد است ابن سینا شعر را جزو منطق نمیداند. در فرایند داوری این مقاله، یکی از داوران محترم معتقد بودند این ادعای مقاله برخلاف نص صریح ابن سیناست. پس از مکاتبات و تبادل نظر میان نویسنده مقاله و داور محترم و قانع نشدن طرفین از استدلال دیگری، نشریه خردنامه صدرا تصمیم گرفت مقاله و یادداشت مختصر داور را — که عیناً در انتهای مقاله می‌آید — منتشر نماید.

اجتهاد در مقابل نص

پذیرفتنی نیست.

نویسنده محترم این مقاله ادعا میکنند که در آثار منطقی ابن سینا تحقیق کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ابن سینا «فن شعر» را بیروی از ارگانون افسانه‌یی منسوب به ارسطو در برخی آثارش جزو منطق آورده است ولی خود وی آنرا جزء منطق نمیدانسته، بهمین دلیل در کتاب اشارات آنرا به کناری نهاده است. البته ایشان برای توجیه مدعای خویش نقل قولهایی از ابن سینا آورده بدون اینکه به محتوا و مفاد واقعی آنها توجه نمایند و نیز در مواردی به دلایل ناکارآمد و بدون تناسب با محتوا متشبت شده‌اند که ناشی از عدم توجه ایشان به تعریف منطق ارسطویی و گستره شمول آنست؛ مانند اینکه چون قیاس شعری موجب تصدیق یقینی نیست پس نباید جزو منطق باشد در حالیکه ابن سینا در هیچیک از آثار منطقی خود در موضوعات منطق، تصدیق یقینی را شرط نمیداند.

البته قابل ذکر است که اگر ایشان در منطق ارسطویی تخصصی میداشتند و بعنوان یک نظریه‌پرداز منطق‌دان، منطق را بگونه‌یی تعریف میکردند که تنها شامل قیاسات برهانی شود، هیچ مشکلی نبود. اما نسبت دادن انگاره شخصی به دانشمندان صاحب‌نظر مغالطه‌یی برای موجه جلوه دادن آن و بدور از اخلاق پژوهشگری است. به هر روی، ما در اینجا نظریات صریح ابن سینا درباره قیاسات شعری را بنقل از همه آثار منطقی وی به اختصار می‌آوریم تا معلوم شود که اظهار نظر نویسنده مقاله، اجتهاد در مقابل نص است:

الف. منطق شفا، ص ۱۸:

غایت علم منطق اینست که انواع گفتارها را بشناسد: ۱- تصدیق یقینی غیرقابل نقض (برهان) ۲- تصدیق نزدیک به یقین (جدل) ۳- گفتارهای باطل (مغالطه) ۴- گفتارهای اقناع‌کننده بدون اینکه تصدیق قطعی باشد (خطابه) ۵- گفتارهایی که موجب تأیید یا تکذیب اقدام، امتناع یا انبساط و انقباض میشوند (شعر)... بیشتر خیالات در این باب کار تصدیق را انجام میدهند، مثال عسل تلخ و تهوع آور است.

ب. عیون الحکمة (انتشارات دارالقلم)، ص ۱۳:

قیاسات شعری که از مقدمات تخیل برانگیز تشکیل میشوند گرچه تصدیق بر آنها تعلق نمیگیرد ولیکن موجب

انبساط طبع انسانی بر امری یا انقباض آن میشوند... با اینکه انسان اینگونه قیاسات را کاذب میداند، اما طبع انسانی آنها را صادق می‌شمارد.

ج . المختصر الأوسط فی المنطق (انتشارات مؤسسه حکمت و فلسفه)، ص ۲۴۹ و ص ۲۵۰:

صورت قیاس گاهی بگونه‌بی است که نه موجب تصدیق و نه موجب گمان میشود بلکه موجب تحریک نفس بر انقباض و کراهت یا انبساط و رغبت بر چیزی میشود... این نوع قیاس در تحریک نفس تأثیر نیرومندی دارد... و قیاس شعری نامیده میشود.

د . نجاه، ج ۱ (انتشارات دانشگاه تهران)، ص ۱۲۱:

متخیلات، مقدماتی هستند که برای تصدیق گفته نمیشوند بلکه برای این گفته میشود که مخاطب بر سبیل محاکات چیزی را بعنوان یک چیز تخیل کند و در اکثر اوقات مورد تبعیت واقع میشود.

ه . تسع رسائل (انتشارات دارالعرب)، ص ۱۱۸:

قسم نهم از انواع قیاسات شامل بر کلام شعری است که چگونه در هر فنی لازم است و انواع کمبود و نقص در آن چیست؟ که کتاب معروف به غرانیطاً که رطوریقی یعنی شعری گفته میشود.

و . دانشنامه‌ی علایی (انتشارات دانشگاه بوعلی سینا)، ص ۱۰ - ۹:

علم منطق آن علم است که اندروی پدید شود حال دانسته شدن نادانسته به دانسته که کدام بود که بحقیقت بوده کدام بود که نزدیک به حقیقت بود و کدام بود که غلط بود و هر یکی چندگونه بود و علم منطق علم ترازو است و علمهای دیگر علم سود و زیان.

و نیز همان، ص ۱۲۶:

مخیلات مقدماتی اند که نفس را بجنابند تا بر چیزی حرص آرد یا از چیزی نفرت گیرد و باشد که نفس داند که دروغ‌اند، چنانکه کسی گوید کسی را که این چیز که تو همی خوری صفرآور است و آن چیز انگبینی بود هر چند که داند دروغ است، طبع نفرت گیرد و نخواهد .

ز . الاشارات و التنبیها (انتشارات نشر البلاغة)، منطق، ص ۵۰:

... قیاسات شعری تألیف میشوند از مقدمات تخیل برانگیز - خود این تخیل صادق باشد یا کاذب خلاصه اینکه از مقدماتی تشکیل میشود که دارای هیئت و ترکیب خاصی باشد که از آن استقبال کند از آن جهت که محاکات است بلکه از آن جهت که صادق است و هیچ مانعی ندارد که چنین باشد و البته وزن و قافیه نیز آنرا رواج بیشتری میبخشد.

نتیجه اینکه: حتی در کتاب اشارات که دو بخشی است نیز ابن سینا قیاسات شعری را بعنوان جزء منطق معرفی میکند. اما در فلسفه چون تنها از مقدمات برهانی استفاده میشود آنرا بتفصیل بیان میکند و به وجوه مغالطه نیز میپردازد.

The Relationship between Poetry and Logic in Ibn Sina

*Ibrahim Bazargani**

In the view of Muslim philosophers, the art of poetry not only enjoys a logical nature in Islamic philosophy but also constitutes the basis of the philosophy of art. One of the important questions in the realms of poetry and logic addresses the reason for exploring poetry as a part of the nine-part logic and then abandoning it in two-part logics and being content with a minimum study of this art by Ibn Sina under the title of imaginal matters (*mukhayyalat*). Ibn Sina does not follow a consistent process in this regard in his various works and gradually leaves aside certain parts, including the art of poetry. This paper aims to investigate the methodological relationship between logic and poetry based on their definitions and, then, examine and clarify Ibn Sina's strategies for joining poetry to logic.

Key Terms

art of poetry
imitations
logic

poetic syllogism
imaginal matters
Ibn Sina

* PhD candidate of the Philosophy of Religious Art, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, ab19277@yahoo.com

Shared Model of the Body-Centered Arguments of the Immateriality of the Soul in Ibn Sina and Mulla Sadra

Majid Yaryan¹, Forough al-Sadat Rahimpour², and Seyyed Mahdi Emami Jomeh³

Some Islamic philosophers, such as Ibn Sina and Mulla Sadra, have dealt with the characteristics of the soul, including the demonstration of its immateriality, in their anthropological discussions. A study of the works of these two philosophers indicates that the positive arguments of the immateriality of the soul are all based on the negation of the characteristics of the body and bodily matter. In other words, they denote that the soul lacks bodily features and, hence, demonstrates that it is immaterial. For example, bodily matter enjoys quantity, position, change, divisibility, and finitude of acts; it is vulnerable to weakness, aging, and tiredness. Moreover, the knowledge of the body and its acts is of the acquired type and is conditioned by place and position. These two philosophers demonstrate the immateriality of the soul by negating and denying the above characteristics to it. Thus the knowledge of the soul and demonstration of its immaterial nature would be impossible without the knowledge of the body and disallowing any bodily features for it. In this paper, in addition to revising the arguments of the demonstration of the immateriality of the soul and determining the key place of the body therein, it has been tried to design and provide a general model entailing all such arguments.

Key Terms

body
Mulla Sadra
matter

Ibn Sina
immateriality of the soul
soul

1. PhD candidate of Transcendent Philosophy, University of Isfahan, Isfahan, Iran, m.yaryan@gmail.com (this paper has been derived from the writer's PhD dissertation).
2. Associate Professor, Islamic Philosophy and *Kalam* Department (corresponding author), University of Isfahan, Isfahan, Iran, fr.rahimpour@gmail.com
3. Associate Professor, Islamic Philosophy and *Kalam* Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran, 1339smj@gmail.com

Place of Certainty in Five Arts in Farabi's View

Nadia Maftouni¹, and Fataneh Tavanapanah²

Farabi attends to certainty in all the five-fold arts of logic in some way. Certainty is either essential or direct in an argument, while it is either accidental or indirect in other arts. In the art of dialectics, the well-known propositions for presenting dialectical affirmations are employed in order to attain certain knowledge. In the art of sermon, certainty is emphasized in the form of satisfactory affirmation in proportion to the addressee's level of perception and as the framework of sermon-related activities and the criterion for quality control. In the art of poetry, imaginal matters are related to certainty in terms of concept and judgment. Fallacy is also related to certainty through using pseudo-propositions, such as pseudo-certainties in two positive and negative dimensions. Therefore, the place of certainty in each of the dialectical, rhetorical, poetic, and fallacious structures is of great significance, and one can observe an instrumental relationship between these four arts and the argument.

Key Terms

five arts
indemonstrables
imaginal matters

certainty
persuasive matters
Farabi

1. Associate Professor, University of Tehran, Tehran, Iran, maftouni@gmail.com

2. MA in Islamic Philosophy and *Kalam* (corresponding author), University of Tehran, Tehran, Iran, tavana@ut.ac.ir

Impact of Qur'anic Teachings on Suhrawardi's Illuminationist Philosophy

Ghasem Pourhasan Darzi¹, and Seyyed Mostafa Babaei²

Obviously, all Islamic philosophers, affiliated with any of the three well-known philosophical schools, have been greatly influenced by Qur'anic teachings in the development of their philosophical thoughts. However, among them, Suhrawardi was the first Islamic philosopher who benefitted extensively from the Holy Qur'an in the development of his Illuminationist philosophy. His use of this heavenly Book is different from that of others both quantitatively and qualitatively (in terms of interpretation). He based many of his ideas, arguments, and judgments on the teachings of the Qur'an. Here, the authors have tried to briefly explain the impact of Qur'anic teachings on Suhrawardi's Illuminationist philosophy with regard to the four categories of luminous wisdom, light of all lights, intellects, and the soul. This is because a detailed discussion of this topic demands sufficient time and extensive knowledge.

Key Terms

Qur'anic verses
luminous wisdom
soul
esoteric interpretation

Illuminationist philosophy
light of all lights
intellects
Suhrawardi

1. Associate Professor, Philosophy Department, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, ghasemepurhasan@gmail.com
2. PhD candidate of Islamic Philosophy (corresponding author), Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, babae20@chmail.ir

Methodology of *T'awil* in the View of Fayd Kashani with an Emphasis on the Role of Ontology

*Nafiseh Ahle Sarmady**

In Fayd Kashani's view, *t'awil* (esoteric interpretation) is a strategy for attaining the innermost and depth of meaning. He believes that denying *t'awil* is a sign of superficiality. His writings, particularly his two books of *'Ayn al-yaqin* and *Usul al-m'arif* and his *Mizan al-qiyamah* treatise, testify to the supreme place of ontology in discovering the secrets of religious teachings. Fayd's research in the field of *t'awil* is based on his philosophical-gnostic thoughts. He conceives of ontology as a window through which one should view the vast spread of revealed teachings. The writer believes that the treatise of *al-Insaf* introduces Fayd's methodology of *t'awil*. Moreover, it describes the process of the writer's journey towards the truth. According to this gnostic philosopher, some of the conditions that are necessary for one's attaining the knowledge of *t'awil* include recognizance of theoretical and practical wisdom, spiritual perfection, patience, and truth seeking.

Key Terms

t'awil
innermost
anthropology

ontology
patience
Fayd Kashani

* Assistant Professor, Islamic Philosophy and *Kalam* Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran, Sarmadi.na58@gmail.com

An Analytic Study of Mulla Sadra's Responses to the Questions of Khwajah Nasir al-Din Tusi and Mulla Muzaffar Hossein Kashani about the Subsistence of the Soul

*Abolhasan Ghafari**

The subsistence of the soul after its parting with the body is one of the most challenging problems in the field of philosophy. This problem has been discussed by both philosophers who consider the soul to be pre-eternal and immaterial and philosophers who believe in the spiritual origination of the soul, and both groups have adduced various arguments in this regard. Khwajah Nasir al-Din Tusi, who is a Peripatetic philosopher, has posed the following question: Why, in the view of philosophers, are the body and bodily preparedness concomitant at the beginning of the origination of the soul but not at the stage of subsistence and separation? He has probed the response to this question in a treatise which he wrote about the subsistence of the soul. At the same time, he asked this question from his contemporary philosopher, Shams al-Din Khusrawshahi, but he did not receive a response. Mulla Muzaffar Hossein Kashani, who was contemporary with Mulla Sadra, asked him the same question, since it seems that the problem of the subsistence of the soul is apparently inconsistent with Mulla Sadra's theory of corporeal origination. He provided a response to the question of Khwajah Nasir al-Din Tusi and Mulla Muzaffar on the basis of the fundamental principles of his own philosophy and defended the problem of the subsistence of the soul after its separation from the body.

Key Terms

soul
corporeal origination of the soul
Mulla Muzaffar Hossein Kashani

subsistence of the soul
Khwajah Nasir al-Din Tusi
Mulla Sadra

* Assistant Professor, Islamic Research Institute for Culture and Thought, Tehran, Iran.
Dr.ghafari.ah@gmail.com

Existence, Annexation, and Derivation: A Study of Mir Damad's Theory on Being Existent and Derivation

*Davood Hosseini**

In his books of *al-Qabasat* and *al-Ufuq al-mobin*, Mir Damad has presented two arguments against the annexed nature of existence. In this paper, the writer deals with two questions regarding these arguments. The first is whether Mir Damad's arguments have a historical background, and the second is whether their consequences support his theory on the derivation of "existent". Here, the first question is answered briefly by presenting two of the most famous arguments of philosophers and *mutikallimun* (particularly, Suhrawardi's famous argument and that of the commentator of *Maqasid*). Next, the writer provides some reasons indicating that not only are Mir Damad's arguments different from them but they are also logically and polemically superior to them. Nevertheless, a complete response is given to the second question by arguing that if we take one of Mir Damad's theories of existence (non-precedence of existence to the object) for granted, the non-annexed nature of existence would result in the non-derivation of the "existent".

Key Terms

existence
quiddity
semantic derivation

existent
annexation

* Assistant Professor, Philosophy Department, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran,
davood.hosseini@modares.ac.ir



Abstracts

Instructions to Authors



- ❖ *Kheradname-ye Sadra Quarterly* only publishes articles in the fields of philosophy and rational sciences with a sound theoretical basis.
- ❖ The submitted articles must be based on research and present innovative views and ideas. They should be clearly and coherently written so that the contents are internally consistent and accessible to the readership. The submissions should closely follow the composition rules and principles in Persian.
- ❖ All articles should begin with an abstract no more than 10 lines and a maximum of 10 keywords. The abstract and the keywords should also be supplied in English.
- ❖ The title of the article, the name (s) of the author (s), the academic rank and position of the author (s), the affiliation of the author (s), and the contact information of the author (s) must be accurately given both in Persian and English on a different page at the beginning of the article.
- ❖ If the submission is based on a thesis, dissertation, or research project, authors are required to acknowledge it at the beginning of the article.
- ❖ Articles should be sent to the Journal's email address. Please write in the subject box "Related to Kheradname-ye Sadra".
- ❖ Authors are required to observe all notation and punctuation rules in Persian. They should also provide the original spelling of non-Persian names and highlight the quotations by using quotation marks or presenting the long ones in blocks.
- ❖ The submission of an article implies that it has not been published previously, and it is not being considered for publication elsewhere, either in the submitted form or in a modified version. The submission of an article does not mean that it will necessarily be published.
- ❖ *Kheradname-ye Sadra* holds the copyright for the publication of the accepted articles in different forms in Persian and other languages.
- ❖ The submitted articles will not be returned to the authors. Contributors are advised to retain at least one copy for themselves.
- ❖ *Kheradname-ye Sadra* holds the right to edit the submissions while being loyal to the original content.
- ❖ The authors are responsible for the content of their articles. The publication of articles in this Quarterly serves the purpose of exchanging ideas and thoughts, and in no way does it imply that the editorial board of *Kheradname-ye Sadra* necessarily agrees with the content of the accepted articles.
- ❖ Authors should give full bibliographical details of references and list them in alphabetical order of author, following the style of the examples given below. Page numbers for journal articles should be truncated where possible. No page ranges are required for books.
- ❖ All references to Mulla Sadra's works must be in conformity with the publication information of the books published by the Sadra Islamic Philosophy Research Institute.

References

- ❖ Citations in *Kheradname-ye Sadra* should be given in the form of footnotes. Each citation must include the source title, the writer's name and family name, the volume number, the page number, and the date of publication.
- ❖ When reference is made to a previously cited book or article by the same author, use the word *Ibid* plus the page number. If the page number is also the same, use *Idem*.
- ❖ When referring to an article, it is necessary to include the title of the article and the title of the journal or edited collection in which it has been published.
- ❖ The original title of the reference and its publication information should be supplied when referring to non-Persian sources.
- ❖ The bibliographical data of each source should be given in the reference list following the rules given below:
Books: Family name, name, *Title of the Book*, (in italics and bold letters, with content words capitalized), translator's name, place of publication, publisher, date of publication.
Journals: Family name, name, "Title of the article", *Title of the Journal* (in italics and bold letters), volume number, issue, page number, date of publication.
ex: A'awani, Gholamreza, "Why is Mulla Sadra Called Sadr al-Muti'allihin?", *Kheradname-ye Sadra*, 2/11: 24-32, 2005.
Edited Collections: Family name, name, "Title of the article", *Title of the Book* (in italics and bold letters), name and family name of the editor, place of publication, publisher, date of publication.
ex: Ibrahimi Dinani, Gholamhossein, "Mulla Sadra's Place in the Encyclopedia of Rational Sciences", in *Mulla Sadra's School and Western Philosophies*, edited under the supervision of Seyyed Mohammed Khamenei, Tehran, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, 2006.
- ❖ The same rules should be followed when listing non-Persian sources.



Contents

• Abstracts

- Existence, Annexation, and Derivation: A Study of Mir Damad's Theory on Being Existent and Derivation
Davood Hosseini 4
- An Analytic Study of Mulla Sadra's Responses to the Questions of Khwajah Nasir al-Din Tusi and Mulla Muzaffar Hossein Kashani about the Subsistence of the Soul
Abolhasan Ghafari 5
- Methodology of *T'awil* in the View of Fayd Kashani with an Emphasis on the Role of Ontology
Nafiseh Ahle Sarmady 6
- Impact of Qur'anic Teachings on Suhrawardi's Illuminationist Philosophy
Ghasem Pourhasan Darzi, and Seyyed Mostafa Babaei 7
- Place of Certainty in Five Arts in Farabi's View
Nadia Maftouni, and Fataneh Tavanapanah 8
- Shared Model of the Body-Centered Arguments of the Immateriality of the Soul in Ibn Sina and Mulla Sadra
Majid Yaryan, Forough al-Sadat Rahimpour, and Seyyed Mahdi Emami Jomeh 9
- The Relationship between Poetry and Logic in Ibn Sina
Ibrahim Bazargani 10

1. According to certificate Number 3/137085 issued on 23 September 2012 by the Ministry of Science, Research and Technology, the Quarterly of *Kheradnameh-ye Sadra* has a Scientific-research degree.

2. *Kheradnameh-ye Sadra* is indexed in the following centers:
- Islamic World Science Citation Center (ISC)
- Philosopher's Index
- Magiran
- Noormags

هوذا هو الحكيم، العليم

Kheradname-ye Sadra

Scientific-Research Quarterly of Islamic Philosophy

Volume 23, Number 1; Issue 89



License-holder:

Sadra Islamic Philosophy Research Institute

Director and Editor-in-chief:

Prof. Seyyed Mohammed Khamenei

Editorial Board:

Prof. Seyyed Mohammed Khamenei

President of Sadra Islamic Philosophy Research Institute

Prof. Gholamhossein Ibrahimi Dinani

University of Tehran

Prof. Ahmad Ahmadi

University of Tehran

Prof. Gholamreza A'awani

Shahid Beheshti University

Prof. Reza Dawari Ardakani

University of Tehran

Prof. Karim Mojtahedi

University of Tehran

Prof. Seyyed Mostafa Mohaqqiq Damad

Shahid Beheshti University

Dr. Maghsoud Mohammadi

Islamic Azad University, Karaj

Persian Editor:

Dr. Maghsoud Mohammadi

Administrative Manager:

Jaleh Shamsollahi

English Translator:

Dr. Roya Khoii

English Editor:

Dr. Ali Naqi Baqershahi

Publisher:

Sadra Islamic Philosophy Research Institute

ISSN: 1560-0874

Address: Building #12, Sadra Islamic Philosophy Research Institute, Imam Khomeini Complex, Resalat Highway, Tehran, Iran.

P.O. Box: 15875, 6919

Telephone: (+98 21) 88153210, 88153594

Fax: (+98 21) 88493803

Email: siprin@mullasadra.org

Site: mullasadra.org

Kherad.mullasadra.org